

معرفی کتاب

پژوهشی در باب غلات نگاهی به کتاب الغنوصیه فی الاسلام

● محمد کاظم رحمتی

آنها در اختیار محققان قرار گرفته است. کتاب مورد بحث نوشتار حاضر، الغنوصیه فی الاسلام، تحقیقی بلند از اسلام شناس نامدار آلمانی هاینس هالم است که متن آلمانی آن در ۱۹۸۲ منتشر شده است و به تازگی محقق عرب زبانی به نام رائد باش متن آن را به عربی ترجمه و انتشارات الجمل (کلن ۲۰۰۳) متن آن را منتشر کرده است. نوشتار حاضر مروری اجمالی بر این کتاب است.



تحقیق در باب فرق اسلامی در آغاز قرن بیستم با پژوهشهای خاورشناسانی چون هلموت ریتز که به چاپ و نشر آثار فرق نگاری مسلمانان توجه نشان دادند، وارد مرحله‌ای جدید شد. با این حال، ضعف جدی عموم این تحقیقات اتکای بیش از حد مؤلفان آنها بر نگاهسته‌های ملل و نحل نگاران بود که اطلاعات خود در باب فرق را عموماً با رونویسی از آثار یکدیگر شرح و بسط داده بودند. با این حال، این گونه نوشته‌ها زمینه ساز تحقیقات اولیه در باب فرق اسلامی شد. در میان این گونه نوشته‌ها، دشواری جدی محققان در باب غلات بود که هیچ یک از متون آنها موجود نبود و محققان اطلاعات خود را درباره آنها فقط از نوشته‌های خصمانه ملل و نحل نگاران گردآوری می‌کردند. بی‌تردید نخستین تغییر جدی در این روند، انتشار ام‌الکتاب به کوشش ولادیمیر ایوانف بود که برای نخستین بار متنی تقریباً اصیل از سنت غلات را در اختیار محققان قرار می‌داد. هرچند این کتاب دشواریهای خاص خود را داشت. در حالی که متن اصلی کتاب که به زبان عربی تحریر در میان غلات عراق نگاهشته شده بود، از بین رفته و ترجمه‌های فارسی، آن هم به زبانی متأخر، از متن اصلی کتاب در جایی دورتر از مکانی که تدوین شده بود، یعنی در آسیای میانه، یافت شده بود. ایوانف علاوه بر انتشار کتاب، خود در چند مقاله سعی در حل دشواریهای متن کرده بود و چنین نتیجه گرفته بود

- الغنوصیه فی الاسلام
- هاینس هالم
- ترجمه رائد باش
- کلن: انتشارات الجمل، ۲۰۰۳

اشاره:

شکل‌گیری و تکوین جریان غلات به عنوان یکی از مسائل قابل تأمل در کنار تاریخ تشیع در قرون اولیه، از نکاتی است که محققان تاریخ تشیع جسته و گریخته و گاه با نگارش آثار مستقلی به آن پرداخته‌اند. مشکل و دشواری عموم این تحقیقات در عدم دسترسی به متون غلات است. تا مدت‌ها گمان می‌رفت، چیزی از این گونه آثار باقی نمانده باشد. کشف ولادیمیر ایوانف در یافتن کتاب ام‌الکتاب، متنی از غلات عراق قرن دوم و سوم، که تحریری فارسی در دوره‌ای متأخر بود، نویدبخش محققان تاریخ تشیع بود که با متنی از غلات آشنا شوند. اقبال محققان تاریخ غلات، یافتن متون متعدد دیگری بود که در سالیان متأخر متن

رجال شناسی امامیه، یعنی اختیار معرفة الرجال تألیف محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی. که نام اصلی آن معرفة الناقلین بوده، به همراه کتاب رجال شیخ طوسی و کتاب فهرست اسماء مصنفی الشیعه تألیف نجاشی و دیگر آثار کهن امامی بهره برده است. هالم (ص ۲۱-۲۲) به پیروی از مادلونگ که در مقاله‌ای به بررسی دو کتاب فرق الشیعة و المقالات و الفرق پرداخته، معتقد است که سعد بن عبدالله اشعری و نویختی در تألیف کتاب خود از یک منبع که کتاب اختلاف الناس فی الامة، تألیف هشام بن حکم (متوفی ۱۹۹ق) است، استفاده کرده‌اند که باعث یکسانی مطالب کتاب آنها شده است. بخش دیگر منابع مورد استفاده هالم (ص ۲۳ - ۲۴) به معرفی آثار ملسل و نحل نگاری غیر شیعیان اختصاص

یافته و هالم بحث خود را با کتاب اصول النحل منسوب به ناشی اکبر (متوفی ۲۹۳ق) آغاز کرده که متن آن را فان اس منتشر کرده است. همان گونه که مادلونگ در مقاله‌ای اشاره کرده است، به نظر می‌رسد مؤلف اصلی این کتاب عالم معتزلی جعفر بن حرب (متوفی ۲۳۶ق) باشد؛ اگر چه در این باره دلایل کافی وجود ندارد. در انتساب کتاب اصول النحل نیز به ناشی اکبر مورد تردید است. هالم (ص ۲۴) از مصادر غلات به دو کتاب ام الکتاب و الرفقت و الاظلة اشاره کرده و کتاب اخیر را تألیف محمد بن سنان (متوفی ۲۲۰ق) دانسته که البته نظری بدون دلیل است.

هالم در فصل نخست تحقیق خود، به بررسی مشهورترین چهره غلات عراق، یعنی عبدالله بن سبا پرداخته و اطلاعات موجود در منابع شیعی و سنی در باب این شخصیت بحث برانگیز را بیان داشته است. نکته‌ای که مورد توجه هالم قرار گرفته، اهمیت گزارشهای سیف بن عمر تمیمی در باب این شخصیت عالی عراق است. فصل دوم کتاب، جریان کیسانیه را به بحث گذاشته است. جریانی که خانم و داد القاضی در کتاب بسیار مهم الکیسانیه فی تاریخ و الادب (بیروت ۱۹۷۴) به نحوی تک‌نگارانه به شیوه‌ای بسیار عالی بررسی کرده است. در تداوم بحث درباره کیسانیه، هالم از دیگر جریانهای غلات تا قبل از تشکیل دولت عباسیان سخن گفته است. از مهم‌ترین این جریانها، قیام بیان بن سمعان و عبدالله بن معاویه است. در آستانه انتقال قدرت از امویان به عباسیان،

که متن دست‌کم در قرن چهارم هجری تدوین شده است. بعدها در مقاله‌ای دیگر، ایوانف زمان تألیف رساله را به زمانی کهن‌تر یعنی قرن دوم نسبت داده بود و از عدم اشاره به تاسیس بغداد (در ۱۴۵) در متن کتاب، نتیجه گرفته بود که زمان تألیف آن پیش از ساخت بغداد بوده است. پس از ایوانف، محققان دیگری نیز برای حل مشکل زمان تألیف کتاب و نکات دیگر، مقالاتی تألیف کرده‌اند که در مقاله «ام الکتاب» دایرةالمعارف بزرگ اسلامی گزارشی از آنها ارائه شده است. بی‌گمان مهم‌ترین و مفصل‌ترین این تحقیقات نوشته مفصل فیلیپانی رونکونی بود که خود ترجمه‌ای استادانه از کتاب به زبان ایتالیایی با حواشی و تعلیقات سودمند منتشر کرده است.

با سابقه چنین تحقیقاتی و چاپ متون کهن شیعی در باب فرق امامیه و غلات، چون کتاب المقالات و الفرق سعد بن عبدالله اشعری و تحریر خلاصه‌تر آن به نام فرق الشیعه با انتساب به حسن بن موسی نویختی و کتاب اختیار معرفة الرجال، هاینتنس هالم تحقیق و پژوهش در باب غلات را موضوع خود قرار داده است؛ کاری که با تحقیقات ردولف اشتروتمان در باب نصیرییه آغاز شده بود. اقبال هالم در این بود که چند متن دیگر از ادبیات غلات در اختیار داشت. نخست، کتاب بسیار مهم مجموع الاعیاء طبرانی (متوفی ۴۱۳) بود که در بردارنده اطلاعات فراوانی از ادبیات غلات شکل گرفته در کوفه در قرون دوم و سوم بوده است. همچنین نصوص دیگری به صورت خطی در اختیار هالم قرار داشته که گزارشهای کوتاه از آنها را اشتروتمان منتشر کرده است. کتاب الفنوصیه فی الاسلام با ذکر مقدمه‌ای در بیان مفهوم غنوص به ارتباط آن با اسلام و محیط شکل‌گیری جریان غلات یعنی عراق و شهرهای مهم مدائن و کوفه پرداخته است.

بررسی از منابعی که تحقیق بر آنها بنا شده، موضوع بعدی نوشتار هالم است که با تفکیک اطلاعات مندرج در منابع مختلف مورد بحث قرار گرفته است. هالم (ص ۲۱ - ۲۴) منابع خود را به سه دسته تقسیم کرده است. نخست منابع امامی است که هالم دو کتاب کهن ملل و نحل نگاری شیعی یعنی المقالات و الفرق و فرق الشیعه را دو منبع اصلی خود یاد کرده و از دیگر منابع

موالی بنی اسد یکی از جدی ترین چهره‌های غلات کوفه است که تاثیر او تا دست کم دو قرن پس از او در میان غلات کوفه باقی بوده و بعدها به عنوان یکی از چهره‌های اصلی تفکر نصیری، جایگاه جاودانی در میان آنها یافته است. شاهد جدی بر تداوم جریان خطاییه در قرن سوم، شخصی به نام ابوجعفر محمد بن عبدالله بن مهران کرخی است که نجاشی در ضمن آثار او دو کتاب به نامهای مقتل ابی‌الخطاب و مناقب ابی‌الخطاب اشاره کرده است. همین گونه ابواسحاق ابراهیم بن ابی حفص، کاتب امام حسن عسکری علیه‌السلام، است که کتابهایی به نام الرد علی الغالیة و ابی‌الخطاب و اصحابه نگاشته و احمد بن محمد بن علی قلاء سواق و برادرش علی کتابی به نام ماروی فی ابی‌الخطاب محمد بن ابی زینب تألیف کرده‌اند. تاریخ قیام دقیق وی به درستی دانسته نیست تنها می‌دانیم که قیام وی در زمان امارت عیسی بن موسی بر کوفه بوده است. عیسی بن موسی نیز همزمان با به قدرت رسیدن عباسیان در ۱۳۲ به امارت کوفه رسید تا آنکه منصور خلیفه عباسی در سال ۱۴۷ او را از امارت کوفه عزل کرد. هالم (ص ۱۴۰ - ۱۴۳) تمام اطلاعاتی را که در منابع اولیه شیعه، خاصه دو کتاب المقالات و الفرق سعد بن عبدالله اشعری و کتاب فرق الشیعه منسوب به نویختی آمده نقل کرده است. پس از آن هالم (ص ۱۴۴ - ۱۵۲) به ذکر شرح حال و اطلاعات کسانی پرداخته که در منابع به وابستگی آنها به جریان خطاییه اشاره شده است.

در تداوم جریان خطاییه، جریان مخمسه و مفوضه فصل ششم کتاب را تشکیل می‌دهد. فصل هفتم بررسی خاص در باب محمد بن بشیر است. هالم (ص ۱۶۹ - ۱۹۱) در فصل هشتم، کتاب الاظلة را بررسی کرده است، متنی که به گمان هالم تألیف محمد بن سنان است و بعدها نیز اضافاتی از سوی غلات بر آن افزوده شده است. کتاب الیهفت الشریف (که هالم به خطا الیهفت را به معنی عدد هفت تلقی کرده در حالی که ظاهراً به معنای شبیم یا قطرات آب روی برگها در صبحگاه است) یا الیهفت و الاظلة از متون بسیار مهم غلات است که دو چاپ از آن در دست است. هالم درباره مؤلف کتاب (ص ۱۷۰) به نقل از مادلونگ متذکر شده که از کتابی به نام الاظلة به عنوان یکی از تالیفات ابوسعید میمون طبرانی سخن رفته اما دلیلی که متن حاضر همان تألیف نسبت داده شده به طبرانی باشد، در دست نیست. همان گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، به نظر هالم کتاب تألیف محمد بن سنان است و از این رو در ادامه بحث گزارشی کوتاه درباره محمد بن سنان ارائه شده است (ص ۱۷۱). جنبه‌های مختلف معرفت‌شناسی غلات که در کتاب الاظلة مورد اشاره قرار گرفته، موضوع بحث بعدی هالم (ص ۱۷۲-۱۹۱) در این فصل است که با نقل قولهای مفصل از این کتاب همراه است و به روشنی اندیشه‌های غلات

معاصر با امامت امام باقر علیه‌السلام، چند جریان جدی و حرکت غلات چون قیام ابومنصور عجلی و مغیره بن سعید روی داد که موضوع فصل سوم کتاب هالم را تشکیل داده است.

فصل چهارم (ص ۸۱ - ۱۳۸) بررسی در باب کتاب ام‌الکتاب است که گفتگوی بلند میان جابر بن یزید جعفی، چهره بحث‌برانگیز در تکوین جریان غلات، و امام باقر(ع) است که شامل اندیشه بنیادی غلات عراق در باب موضوع جهان‌شناسی غلات و ارتباط میان اجزای عالم است. بررسی کامل کتاب ام‌الکتاب از زوایه‌های مختلف موضوع این بخش است.

جابر بن یزید بن حارث جعفی از محدثان سرشناس و نامور شیعه در اواخر عصر اموی است که جایگاه خاصی در ادبیات غلات دارد. هر چند به صراحت نمی‌توان آنچه را که در منابع غلات به نقل از وی آمده درست دانست، از جمع بندی روایاتی که از او نقل شده می‌توان دریافت که دست کم خود او تمایلاتی خاص داشته است. هر چند باید به تحول و تطور مفهوم غلو نیز توجه داشت. اهمیت جابر بن یزید جعفی در میان محدثان عراق شیعی تا بدان حد بود که عالم امامی قرن چهارم، احمد بن محمد بن عبدالله جوهری مشهور به ابن عیاش (متوفی ۴۰۱ق)، کتابی به نام اخبار جابر الجعفی تألیف کرده است. نویسندگان کتابهای ملل و نحل جعفی را جانشین مغیره بن سعید بجلی (متوفی ۱۱۹ق) نامیده‌اند. جایگاه جدی جابر جعفی در میان محدثان عراق بدان حد است که بسیاری از محدثان امامی، صرف‌نظر از آرای جابر، از او نقل حدیث کرده‌اند. در حقیقت همان گونه که سید حسین محمد جعفری در کتاب تشیع در مسیر تاریخ: تحلیل و بررسی علل پیدایش تشیع و سیر تکوین آن در اسلام (ص ۳۴۹ - ۳۵۰) اشاره کرده، جابر بن یزید جعفی در تکوین اندیشه امامت در تاریخ تشیع یکی از چهره‌های شاخص است. مشهورترین راوی از جابر، که تمایلات غلو گونه در آنچه او از جابر نقل کرده به روشنی هویداست، شخصی به نام عمرو بن شمر جعفی است که هالم (ص ۶۹ - ۸۰) نمونه‌ای از احادیثی که نام این فرد در سلسله سند آن آمده و تمایلات غالبانه جعفی را نشان می‌دهد، آورده است. از آثار جابر بن یزید جعفی در منابع به کتابهای التفسیر، الفضائل، الجمل، الصغین، النهروان، مقتل امیر المؤمنین، مقتل الحسین، النوادر و حدیث الشوری و اصلی اشاره شده است. مدرسی طباطبائی در کتاب میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری (دفتر اول، ص ۱۲۴ - ۱۴۳) تمام مواردی را که از جابر نقل شده با توجه به عناوین کتابهای وی گردآوری کرده است.

فصل پنجم (ص ۱۳۹ - ۱۵۲)، خطاییه، به جریانهای مرتبط با یکدیگر پرداخته که پس از ابوالخطاب اسدی شکل گرفته است. ابوالخطاب محمد بن ابی زینب مقلص اسدی، ملقب به اجدع، از

عراق را بازتاب می دهد.

جریانهای غلو در قرن سوم، خاصه جریان نصیریه، با گزارشی کامل از شکل گیری این جریان، موضوع دو فصل بعدی است. نصیریه، جریانی که از محمد بن نصیر نمیری، نام گرفته در حقیقت تنها جریان باقی مانده از غلات عراق است که در دوران غیبت صفری شکل گرفته، هر چند تلفیقی از سنت جریانهای مختلف غلات پیشین است. دشواری در بررسی نصیریه علی رغم تداوم تاریخی این جریان، در نتیجه عدم وجود سنت تاریخ نگاری در میان این جریان است. در حقیقت نصیریه، همانند دیگر غلات، علاقهای به تدوین تاریخ خود نداشته‌اند و اساساً این گونه جریانها در فضای تاریخی سیر نمی کنند و تاریخ مفهومی فرازمانی برای آنها دارد. از این رو دانسته‌های ما نیز درباره نصیریه اندک است. بر این مشکل باید دشواری دیگری را نیز افزود و آن این واقعیت است که جریانهای غلات نیز همانند جریانهای دیگر بشری، هویتی یکدست و یکپارچه ندارد و طبعاً در این جریانها نیز گرایشهای مختلفی را شاهدیم که به نحو طبیعی رگه‌هایی از این گونه جریانها باید در ادبیات فرقه‌ای غلات بازتاب یافته باشد. همان گونه که گفته شد، بی توجهی جریان نصیریه و اساساً غلات به جهان واقع، دلیل جدی بی توجهی آنها به تدوین تاریخشان بوده است. از این رو شگفت نیست که نصیریان تنها در روزگار ما به تدوین تاریخ خود همت گماشته باشند.

هالم در اشاره به تدوین تاریخ نصیریه (ص ۲۰۷) ضمن ارائه گزارشی از کارهای انجام شده از سوی خاورشناسان در اواخر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم در اشاره به تدوین تاریخ جریان نصیریه، از دو کتاب مهم تألیف شده در این فاصله نام برده است. اثر نخست، کتاب الباکورة السليمانية في كشف اسرار الديانة النصيرية، تألیف سلیمان اذنی است که خود در ابتدا از نصیریان بود و متأثر از مبشران مسیحی به مسیحیت گروید و این کتاب را در بیان حقیقت مذهب نصیریه تألیف کرد و البته بعدها جان خود را به دلیل تألیف این کتاب از دست داد (این کتاب در سالیان اخیر در بیروت تجدید چاپ شده است). این کتاب به دلیل نقل برخی مطالب غیر قابل دسترس نصیریه اهمیت فراوانی دارد هر چند در استفاده از آن باید احتیاط کرد. اثر دیگر تألیف شده در نیمه اول قرن بیستم که در حقیقت شاید پاسخی غیر مستقیم به کتاب اذنی باشد، کتاب تاریخ العلویین از عالم علوی محمد امین غالب طویل است که نصیریان معاصر آن را به عنوان تاریخ رسمی خود تا حد زیادی قبول دارند. بر اساس آنچه در کتاب طویل آمده و هالم خلاصه‌ای از آن را نقل کرده (ص ۲۰۸ - ۲۱۰)، تاریخ شناخته شده نصیریه با حرکتهای محمد بن نصیر نمیری بصری آغاز می شود که در آستانه غیبت صفری با ادعای بابیت همگام با اسحاق بن ابان احمري در عراق

دو جریان جدا اما بسیار نزدیک به هم را سامان دادند. ابن نصیر با ادعای بابیت امام عصر به ترویج آرای غلو گونه خود پرداخت. وی قائل به الوهیت حضرت امیر بود و به تناسخ باوری جدی داشت، آموزه ای که کارکرد روانی زیادی در میان تمامی جریانهای غلات داشته است. با این حال اشارات اندکی درباره محمد بن نصیر در دست است. پس از او، فردی به نام محمدبن جندب و بعد از او ابو محمد عبدالله جنان جنبلائی رهبری حرکت نصیریه را در دست داشته‌اند. بی گمان چهره ممتاز و اساساً تدوین گر جریان نصیریه، حسین بن حمدان خصیبه (متوفی ۳۵۸ق) است که پس از جنبلائی رهبری نصیریه را در دست گرفته است. در حقیقت اطلاعات ما درباره نصیریه و حسین بن حمدان خصیبه در حد قابل توجهی است و آثار متعددی از خصیبه چون کتاب الهدایة الکبری و دو دیوان شعر او در اختیار ماست که از قضا اینک از این آثار چاپهای البته نه چندان مطلوبی در دسترس است. هالم (ص ۲۰۸) تنها به نسخه‌ای از دیوان خصیبه در کتابخانه چستریتی اشاره کرده که البته در تحقیق خود از آن بهره‌ای نگرفته است. تعلیم خصیبه را شاگردان او، خاصه ابوالحسین محمد بن علی جلی و شاگرد او ابوسعید میمون بن قاسم طبرانی (متوفی ۴۲۶ق)، به صورتی مکتوب در اختیار ما قرار داده‌اند. هالم (ص ۲۰۸ - ۲۱۰) بعد از این مقدمات به بررسی نظام جهانشناسی نصیریه پرداخته و با ارائه نصوصی از آنها امکان بررسی گفته‌های خود را برای خواننده فراهم تر کرده است (ص ۲۱۰ - ۲۲۷).

ویژگی مهم کتاب هالم، در نقل قولهای مستقیم فراوان اوست که با استنباطها و نتیجه‌گیریها همراه است. ترجمه نسبتاً دقیق کتاب، سوای برخی ایرادات جزئی، متنی خواندنی از کتاب فراهم آورده است. یک دشواری جدی در مطالعه کتاب، انتقال تعلیقات و پانویسهای مؤلف به انتهای متن کتاب است (ص ۲۴۹-۲۸۹) که در چنین آثاری بخش با اهمیتی از کتاب را تشکیل می دهند و مراجعه مدام خواننده برای یافتن پانویسهای مسلسل شده کتاب، مطالعه کتاب را دشوار کرده است. سوای این نکته، بی تردید کتاب حاضر برای پژوهشگران تاریخ تشیع و جریانهای غلات در سه قرن اول هجری، اثری بدیع و ارزنده است.

